



## صدای خوش مزه

روی درخت نشسته بود. قوقولی قوقو آواز می‌خواند.

صدای را شنید. گفت: «به به، چه صدای خوش مزه‌ای!» بعد

هم دوید تا به درخت رسید. را دید و گفت: «چه صدای خوبی داری! بیا

پایین تا صدایت را بهتر بشنوم.»

گفت: «من گول تو را نمی‌خورم، ای حقه‌باز!»

اما، حرف‌های را نفهمید. چون زبان را بلد نبود.

زود را صدا کرد. زبان را بلد بود. دوید و دوید،

به رسید و واق واق کرد.

داد زد: «وای چه صدای بد مزه‌ای!»

بعد هم پا گذاشت به فرار. رفت و دیگر برنگشت.



روباه



خروس



سگ